

# بازگشائی پرونده نفت «خوریان»

عطش روزافزون جهان صنعتی معاصر به انرژی فسیلی- بویژه نفت- می‌رود که به مرض استسقام تبدیل شود. به همان موازات که مصرف فرآورده‌های نفتی افزایش می‌یابد، از ذخایر شناخته شده و در دست بهره‌برداری نفت کاسته می‌شود. در چنین وضعیتی است هرگاه در منطقه جدیدی از جهان بوی نفت و گاز استشمام شود، کمپانیهای نفتی به عنوان نمایندگان قدرتهای صنعتی جهان بدان سو هجوم آورند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به دلیل وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در کشورهای آسیای میانه، بویژه جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان، و نیز در اعماق دریای خزر، کمپانیهای نفتی جهان به این کشورها هجوم آوردند و حجم عظیمی از سرمایه را در این مناطق متمرکز کردند.

رقابت‌های همه جانبه‌ای برای گرفتن سهم بیشتری از منابع نفت و گاز این منطقه آغاز شد که روز به روز فشرده‌تر هم می‌شود، از نظر برخی محافل سیاسی، همین رقابت‌ها پیش زمینه بحران‌های جدی آینده این منطقه نیز محسوب می‌شود. گو این که در مورد منابع نفت و گاز دریای خزر هم اکنون مشاجراتی جریان دارد و کشورهای واقع بر سواحل این دریا هر کدام دعایوی ویژه خود را دارند.

در این روند، گرچه دولت ایران در پی استیفای حق کشورمان از منابع نفت و گاز دریای خزر است، اما نکته‌ای که تعجب را برمی‌انگیزد عدم توجه به منابع نفت شمال کشور است که روزگاری یکی از موارد جدی مناقشه بین ابرقدرتهای وقت (روسیه تزاری و دولت سابقاً فخیمه انگلیس) بود، و در بده بستانهای سیاسی هم اثرگذار بود.

این منابع چندان واجد اهمیت بوده که دادن وعده بهره‌برداری از آنها به شوروی، موجب شد در بسجوبه جنگ دوم جهانی، استالین در برابر انگلیسی‌ها که قصد داشتند بجای محمدرضا پهلوی برادر کوچک او را بر تخت سلطنت بنشانند، جبهه بگیرد. و چون شاه بعدها این وعده

را نادیده گرفت، شورویها این پیمان‌شکنی را با فرستادن «کافتارادزه»- معاون کمیساریای خارجی شوروی- به ایران که مقدمه‌ای برای کارشکنی‌های حزب توده و اعلام جدائی آذربایجان از ایران بوسیله پیشه‌وری و باقی قضایا شد، تلافی کردند. (در این مورد رجوع شود به مقاله «رفیق استالین محمدرضا را شاه کرد» چاپ شده در شماره ۴۷ همین ماهنامه)

از همان زمان موضوع نفت شمال ایران به فراموشی سپرده شد و این فراموشی هنوز هم ادامه دارد. چرا؟ آیا محاسبات در مورد این منابع اشتباه بوده و ذخایر آن بقدری نیست که ارزش سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری داشته باشد، یا دلیل دیگری در کار است؟

هر چه هست، هنوز نظریه‌ای قطعی و روشن در این باره اعلام نشده است.

گزارش تحقیقی زیر سوابق فاش نشده‌ای را در مورد این منابع ارائه می‌دهد. ذکر این توضیح ضروری است که منطقه خوریان، در واقع مرکز ثقل اقدامات برای بهره‌برداری از منابع نفت شمال بوده است.

●●●

از مسعود کوهستانی نژاد

مقدمه

بهره‌برداری از نفت ایران داستانی طولانی دارد که گستره‌ای به پهنای تقریباً تمامی مسائل سیاسی و اقتصادی تاریخ معاصر ایران را در برمی‌گیرد. شاید بتوان گفت در یکصد سال اخیر کمتر رویدادی سیاسی در ایران اتفاق افتاده باشد که بنوعی با نفت ارتباط نداشته باشد. اهمیت شگرف نفت در ایران انگیزه انجام تحقیقات مفصلی پیرامون این موضوع شده و تألیفات گوناگونی راجع به ابعاد مختلف این موضوع به رشته تحریر درآمده است. موضوع اغلب این تحقیقات و تألیفات، نفت جنوب، فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس و ملی شدن صنعت نفت است و بخش اندکی نیز به مسائل نفتی در قسمت‌های دیگر ایران (عمدتاً مناطق شمالی)

اختصاص دارد. در این بین، سهم بسیار ناچیزی از تحقیقات نیز در ارتباط با موضوع نفت در دیگر مناطق ایران است. در صورتی که از سالیان دور توجه خارجیان به وضعیت نفت در دیگر مناطق ایران معطوف شده بود. بدین لحاظ تعداد زیادی از دانشمندان زمین‌شناس به مناطق جنوب شرقی، مرکزی و شمال شرقی کشور سفر کرده و گزارشهای مفصلی از وجود یا عدم وجود نفت در این مناطق ارائه دادند. در برخی از این مناطق فعالیتهای فنی برای استخراج نفت نیز انجام شد که به دلایلی ادامه نیافت و بتدریج به فراموشی سپرده شد. یکی از این مناطق و شاید بتوان گفت مهمترین آنها، منطقه خوریان در جنوب شهر سمنان است. علیرغم آنکه نزدیک به یکصد و بیست سال از صدور فرمان ناصرالدین شاه در خصوص واگذاری امتیاز استخراج نفت از معادن نفت خوریان می‌گذرد و در این مدت تلاش‌هایی نیز در این زمینه انجام شده است، معیناً سهم ناچیزی از تحقیقات پیرامون نفت در ایران، به منطقه خوریان اختصاص پیدا کرده است. اهمیت موضوع، نگارنده را بر آن داشت که تحقیق مفصلی پیرامون نفت خوریان انجام دهم. این تحقیق در شرف اتمام است و مقاله حاضر فشرده‌ای از آن است که به معرفی شرکت سهامی نفت خوریان و شرح کارکرد آن در سالهای اولیه تأسیس، اختصاص دارد.

\*\*\*

آغاز ماجرای نفت خوریان به سالهای اواخر قرن نوزدهم باز می‌گردد. در سال ۱۲۹۴ قمری (۱۸۷۷ م) از سوی ناصرالدین شاه فرمانی صادر شد که مالکیت معدن خوریان به میرزا علی معدنچی تعلق یافت.<sup>(۱)</sup> ولی سه سال بعد (۱۲۹۷ قمری) ناصرالدین شاه فرمان دیگری صادر کرد که براساس آن مالکیت معادن واقعه در نواحی سمنان، دامغان، شاهرود و بسطام به حاجی میرزا علی اکبر امین معادن واگذار شد.<sup>(۲)</sup>

پس از واگذاری مالکیت معادن مزبور، حاجی علی اکبر امین معادن برای استخراج و بهره‌برداری منابع منطقه دست به کار شد ولی این

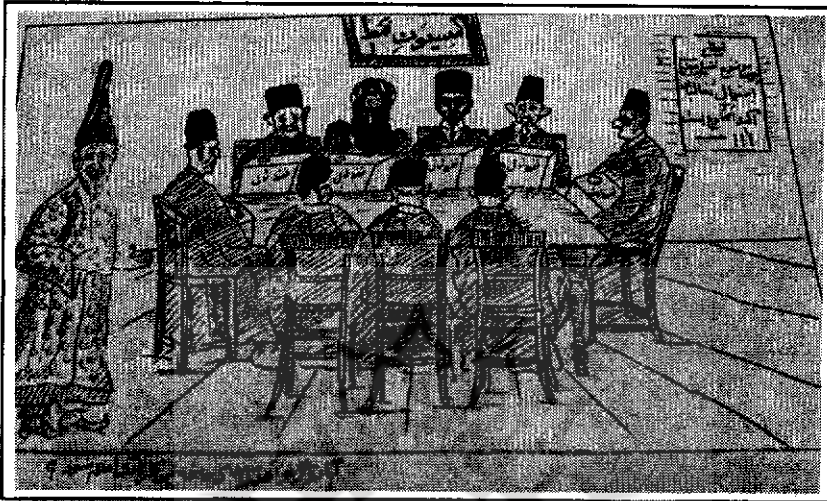
تلاش بی نتیجه ماند. (۳) پس از مرگ او، امتیاز مزبور به کنترات هفتاد ساله به قهرمان میرزا (سالار سردار- اعظم) واگذار شد. ولی پس از مدتی، و احتمالاً مقارن طلوع انقلاب مشروطیت در ایران (سال ۱۲۸۶ ش) وراثت امین معادن، به علت عدم دریافت اقساط اجاره از قهرمان میرزا، کنترات مزبور را لغو کردند. (۴) از این زمان تا سال ۱۳۰۲ شمسی وراثت مزبور برای استفاده از امتیاز معادن سمنان آن را به افراد مختلفی ارائه کردند که از آن جمله می‌توان به میرزا رضی ضعی

همایون، آلمانی‌ها و حتی نماینده تجارته روسیه در ایران اشاره کرد (۵). تا اینکه در سالهای ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ پس از مساجراهای مختلف، بالاخره امتیاز معادن مزبور به نام وراثت امین معادن (از جمله حاج میرزا علی اکبر ستوده) ثبت شد. (۶) پس از آن مالکین امتیاز به همراه افراد دیگری نظیر حمزوی برای استخراج نفت از معادن مذکور، در آذرماه ۱۳۰۴ «شرکت سهامی نفت کویر

خوریان» را تشکیل دادند. (۷) حمزوی طی نامه‌ای چگونگی تشکیل این شرکت را به تفصیل شرح می‌دهد:

«... محض امتثال امر ولینعمت تاجدار و به اتکاء حسن نیت و اراده ملوکانه خسرو معظم ایران مبادرت به این کار کردم که هم خدمتی به وطن خود نموده و هم تا اندازه‌ای که ممکن و از قوه برمی‌آید بیکاری را رفع و جمع کثیری بکار مشغول شوند و از طرفی هم چون مجلس مقدس شورای ملی کشیدن خط آهن را تصویب فرموده و اولین چیزی که برای این مسئله و بلکه تمام امور مملکتی اعم از امور نظامی و صنایع و اقتصادیات و غیره لازم می‌شود فقط نفت است، لذا از نقطه نظر سلب احتیاجات ایران از خارجه این بنده در تشکیل شرکت نفت مختصر خوریان پیشقدم شده و بعد از آنکه از ملکیت مالکین آن مطمئن شده و صحت اسناد و مدارک و

فرامین آنها را کاملاً دانستم حاضر شدم که یک شرکت ایرانی بر طبق قانون شرکت تجارته ایران تشکیل داده و برای آنکه نفع این مؤسسه عام باشد سهام آن را آزاد قرار داده تا هر کس از غنی و فقیر و حتی بیوه زنان هم بتوانند از آن بهره‌مند شوند. به همین نظر قیمت هر سهم را پنجاه تومان قرار داده و از برای اینکه هر کسی دسترسی داشته باشد، ما شرکاء پنج‌گانه در صدد هستیم که صاحبان سهام ایرانی در ابتدای شروع به عمل،



کاریکاتوری که راجع به نفت شمال در روزنامه ناهید (سال ۱۳۰۳) چاپ شده است. در زیر کاریکاتور نوشته بودند «یا روزی خواهد رسید که خاتمه این کار بملت اعلام شود؟»

تومانی دو ریال از مقدار سهام خود را - بپردازند و دو ریال دیگر را تا یک سال دیگر پس از استخراج نفت دریافت نموده و بقیه را از منافع کسر نماییم و این بالاترین مساعدتی است که یک شرکت می‌تواند نسبت به عامه مبذول دارد. منتهای آمال‌ها آن است که اکثریت سهام را ایرانیان خریداری نمایند. (۸)

علیرغم نظر حمزوی، خرید سهام شرکت از سوی ایرانیان مورد استقبال قرار نگرفت و تعداد زیادی از این سهام عملاً بوسیله بانک ایران و روس و شخصی بنام «خوشتاریا» (او از جمله فعالین و سرمایه‌داران گرجی تباری بود که در صحنه اقتصادی ایران فعالیت می‌کرد) خریداری شد. بنحوی که از جمله اعضای هیأت مدیره این شرکت می‌توان از او و دو تن روسی دیگر به اسامی زکاکلین و گرگنلاند نام برد. علاوه بر آنها، حمزوی، علی اکبر ستوده و قاضی‌زاده نیز از دیگر

اعضاء هیأت مدیره بودند. (۹)

### مخالفت انگلیسی‌ها...

بلافاصله پس از تشکیل شرکت، فعالیت آن آغاز شد. در اواخر سال ۱۳۰۴ یک هیأت از سوی شرکت «برای معاینه و تفتیش معدن نفت سمنان» به آنجا اعزام شد. این هیأت «متجاوز از یک ماه مشغول عملیات بود» (۱۰) ولی در همان زمان در تهران، فعالیت شرکت به موانع عمده‌ای برخورد کرد که برطرف کردن آنها، سبب ایجاد رکود یک ساله‌ای در کار شرکت شد.

یکی از مهمترین این موانع شرکت نفت ایران و انگلیس بود. این شرکت، و مآلاً مقامات دولت بریتانیا، نسبت به فعالیت شرکت سهامی خوریان معترض بودند. اعتراض آنان بر این مبنا قرار داشت که منطقه سمنان جزء حوزه قرارداد داریسی بوده و غیر از شرکت نفت ایران و انگلیس هیچ مؤسسه دیگری حق فعالیت در آنجا را ندارد. (۱۱) در پاسخ به اعتراض انگلیسی‌ها،

مقامات مختلف ایرانی موضع‌گیری کردند از آن جمله دکتر میلیسپوا رئیس کل مالیه وقت ایران بود که در مصاحبه‌ای به تاریخ اسفند ۱۳۰۴ اعلام کرد:

«راجع به موضوع نفت سمنان همین قدر می‌دانم که انگلیسی‌ها یعنی کمپانی نفت جنوب یک دعاوی واهی و بی‌اساسی دارند و شاید روی همین دعاوی این قسمت [نفت کویر خوریان] مورد رقابت روسها و انگلیسی‌ها واقع شده باشد. ولی بطور رسمی از جریانات این کار اطلاع ندارم. همین قدر من غیررسم از یک جریاناتی مسبوق شدم و یک مراسله هم مطابق اختیارات قانونی خود با آقای رئیس الوزراء تقدیم داشته و در ضمن آن مراسله تقاضا کرده‌ام که این قبیل قضایا خوب است از پرده بیرون بیاید و چون در این قسمت اجانب نظر دارند وقتی مطلب مکشوف بوده و در پرده نباشد بهتر می‌شود

به دعاوی غیر صحیح و غیرقانونی آنها خاتمه داد و بالاخره نظریه من راجع به نفت سمنان این است که نه انگلیسی‌ها در آن ذی‌حق هستند و نه روسها به هیچ وجه و به هیچ صورتی حق مداخله دارند. بلکه این منابع ملک طلق ایران و متعلق به ایرانی است و به این جهت باید ترتیبی اتخاذ شود که منابع و منافع ایران محفوظ باشد. [...]» (۱۲)

عدم همراهی پاره‌ای از مقامات دولتی ایران با شرکت سهامی خورین، یکی دیگر از موانع اساسی در راه فعالیت این شرکت محسوب می‌شد. قبلاً بیان شد که در اواخر سال ۱۳۰۴ شرکت نفت خورین یک گروه را برای انجام فعالیت اکتشافی و شناسائی محلی به سمنان اعزام کرد. یک سال بعد، در ۱۴ دی ۱۳۰۵ بار دیگر از سوی شرکت مزبور عده‌ای به سمنان اعزام شدند. بنا به گزارشی در این زمینه «[...] آقایان شعبانی و

### سال ۱۳۰۴: اولین گامها برای بهره‌برداری از معادن نفت خورین برداشته می‌شود ولی انگلیسی‌ها مانع تراشی می‌کنند.

ستوده با چند نفر مهندس با سه دستگاه اتوموبیل که حاوی آلات و ادوات فنی بود وارد سمنان شده و روز بعد به طرف کویر خورین حرکت نمودند [...] در این موقع که پریشانی عمومی اهالی را از هر جهت فراگرفته مردم سمنان با یک دنیا شوق و شغف ورود هیأت اعزامی را استقبال کردند و دستجات مردم همه روزه چه از سمنان و چه از اطراف برای کار خود را مهیا می‌کنند [...]» (۱۳)

ولی چند روز بعد «دولت به حکومت (سمنان) تلگرافاً تعلیماتی صادر کرد که مطلقاً بدون اجازه وزارت فواید عامه هیچ کس مجاز نخواهد بود که در معادن آن حدود عملیاتی بنماید» (۱۴) و یک هفته بعد از آن «وزارت داخله در قبال استعلام وزارت فواید عامه اطلاع داد که تعلیمات اکیده به حکومت سمنان برای جلوگیری از عملیات

اشخاصی که در معدن نفت حاجی‌آباد و خورین مشغول شده بودند، صادر گردیده که از هرگونه اقدامات آنها جلوگیری بعمل آورند» (۱۵)

در واکنش به اقدامات دولت که سبب «سرگردانی و یاس عملجات» در سمنان شده بود «اهالی سمنان و قراء تلگرافی به مرکز مخبره نموده‌اند که درجه اشتیاق آنها را در این موضوع ثابت می‌کند» (۱۶) این اعتراضات بالاخره به نتیجه رسید و شرکت نفت خورین فعالیت خود را در سمنان آغاز کرد. البته احتمالاً تشکیل اولین مجمع عمومی سالیانه شرکت در فروردین ۱۳۰۶ در شروع فعالیت مذکور بی‌تأثیر نبوده است. در اعلامیه‌ای که از سوی هیأت مدیره شرکت در خصوص تشکیل مجمع عمومی صادر شد، آمده است:

هیأت مدیره شرکت سهامی کویر خورین محدود، خاطر محترم آقایان صاحب سهام را (که شهادت نامه‌های شرکت را در دست دارند) مستحضر می‌دارد که مجمع عمومی سالیانه شرکت در اول فروردین ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ مارس ۱۹۲۷ در ساعت هفت بعد از ظهر در محل هیأت مدیره واقع در خیابان آقای امیر منظم در تهران تشکیل خواهد شد. لذا هیأت مدیره از آقایان صاحب سهام برای حضور در جلسه مجمع عمومی در روز و ساعت مزبور دعوت می‌نماید. پروگرام موادی که در مجمع عمومی مطرح می‌شود از قرار ذیل است:

۱- صورت حساب سالیانه سال جاری عملکرد شرکت

۲- راپورت کمیسیون تفتیش

۳- تکمیل انتخابات اعضای هیأت مدیره

۴- تجدید انتخابات اعضای کمیسیون تفتیش تبصره: برای اطلاع آقایان ماده ۲۷ و ۲۸ اساسنامه شرکت ذیلاً درج می‌شود:

ماده ۲۷- برای آنکه معلوم شود چه اشخاصی دارای سهام بی‌اسم و بنا بر آن دارای حق حضور در مجمع هستند صاحبان سهام بی‌اسم باید لااقل پنج روز قبل از روز جلسه عین سهام یا قبض بانکهانی که سهام آنها در آن بانکها امانت گذاشته شده را در دفتر مرکز شرکت امانت بگذارند و در عوض علاوه بر قبض رسید ورقه ورودیه به مجمع عمومی که اسم و عده سهام آنها روی آن ورقه قید شده باشد، بگیرند.

ماده ۲۸- صاحبان سهام بی‌اسم و صاحبان سهام بی‌اسمی که موافق ماده فوق خود را معرفی کرده و ورقه ورودیه گرفته‌اند می‌توانند اشخاص دیگری به جای خود به مجمع عمومی بفرستند» (۱۷)

### چاهها به نفت رسید

به هر حال در اردیبهشت ۱۳۰۶ «آقای امیر منظم (حمزوی) مدیر کل شرکت نفت خورین و یک عده از شرکاء کمپانی به مصاحبت آقای یاسانی نماینده محترم سمنان امروز [۱۳۰۶/۲/۲۶] برای معاینه چاههای نفت و رسیدگی به عملیات متخصصین و تماشای مؤسسات جدید به طرف سمنان و کویر خورین حرکت نمودند» (۱۸) بنا به گزارشی که از نتایج این سفر وجود دارد «[...] ورود آقای حمزوی به سمنان طوری از طرف اهالی استقبال شده که کمتر سابقه داشته است. جمیع طبقات اهالی از علماء و تجار و کسبه تا سه فرسخی شهر ایشان را استقبال نموده و درب چادرهایی که سرراه زده بودند قربانی‌های متعدد نموده و ایشان را در میان هلله و شادی تا شهر آورده‌اند. روز بعد هم که ایشان بطرف کویر خورین می‌روند باز جمیع اهل شهر تا کویر مزبور، سواره و پیاده همراه ایشان رفته و دهاتی‌های حوالی نیز انواع پذیرائی‌های با شکوه را به عمل آورده‌اند. از قرار مذکور کلیه عملیات مقدماتی خاتمه یافته و پنج نقطه برای حفر چاه تعیین شده و انتظار ورود بقیه ماشین‌آلات و خاتمه اینیه و ساختن انبارها را دارند. چند نقطه که چاه زده‌اند به نفت رسیده و مقداری هم از نفت‌هایی که بیرون آمده است همراه خود به تهران آورده‌اند» (۱۹)

فعالیت شرکت در ماههای بعد ادامه یافت. در اواخر سال ۱۳۰۶ بدلیل نیاز شرکت به تکنولوژی جدید حفر چاههای نفت مذاکرات با دولت شوروی برای استخدام مهندسین حفاری شروع شد. مدتی بعد این مذاکرات به نتیجه رسید. بنحوی که از اوایل سال ۱۳۰۷ مهندسین مزبور شروع بکار کردند. براساس گزارشی در اواخر اردیبهشت ۱۳۰۷ «شرکت نفت خورین که از چندی قبل مشغول سوار کردن ماشین‌آلات و نصب ادوات لازم و حفر چاهها به وسیله مهندسین استخدامی بوده، اخیراً ماشین‌های حفاری در نقاط معینه نصب گردیده و فعلاً مشغول رفع نواقص و بکار انداختن بعضی



قسمت‌های آن می‌باشند که پس از خاتمه آن، شروع به حفر چاهها نمایند. (۲۰) حفر یکی از این چاهها در اوایل شهریورماه همانسال خاتمه یافته و «مقدار زیادی نفت از آن فوران کرد و چون حفر چاههای دیگر نیز قریباً خاتمه خواهد یافت و بعلاوه فعلاً مشغول نصب دستگاه تصفیه و غیره

## رپورت سال ۱۳۰۶: ۵ نقطه برای حفر چاه تعیین شده... چند نقطه که چاه زده‌اند به نفت رسیده و مقداری هم از نفت‌هایی که بیرون آمده همراه خود به تهران آورده‌اند.

می‌باشند، [این است که] شرکت نفت خوریان فعلاً روی آن چاه را پوشانده و مشغول حفر بقیه چاهها است. (۲۱)

یک ماه بعد در اوایل مهرماه «حفر چهار حلقه چاه شرکت خوریان خاتمه یافته و به نفت رسیده است. چهار بطری نفت که از چاههای مذکور استخراج شده برای معاینه و ملاحظه وزارت فوائد عامه ارسال شده است. حفر چاههای دیگری نیز پیشرفت مهمی نموده و شرکت قریباً شروع به عملیات لازم برای استخراج و استفاده از نفت‌های مستخرجه خواهد نمود.» (۲۲)

در ماههای بعد فعالیت شرکت به همین نحو ادامه یافته و روز بروز گسترده‌تر می‌شد. در سفری که مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات به سمنان می‌کند، از وضعیت تأسیسات شرکت مذکور چنین گزارش می‌دهد: «... [یک طرف این شهر [سمنان] کویر خوریان مرکز نفت می‌باشد که در ۳ فرسخی شهر واقع و پس از خاتمه عملیات مقدماتی شروع به استخراج چاههای کشف شده خواهد شد. در اراضی کویر خوریان از طرف متخصصین نفت که چند نفر روسی می‌باشند منزلی ساخته شده و مشغول بنای عمارت‌های قشنگی می‌باشند

و برای این که عملیات مقدماتی‌شان هنوز خاتمه نپذیرفته هیچ کس جز مأمورین و عملجات نفت حق ورود به اراضی کویر خوریان را ندارد.» (۲۳)

عملیات متوقف می‌شود

یک سال بعد در مرداد ماه ۱۳۰۸ اعلام شد «موسسه نفت خوریان تاکنون به وسیله مهندسین خود شروع به حفر دو حلقه چاه در خوریان نموده که یکی ۴۰۰ ذرع حفر شده و دومی بطوری که حدس می‌زنند قریباً به نفت خواهد رسید. فعلاً مشغول حفر چاه مذکور و ساختن برج بر روی چاه مطابق چاههای نفت بادکوبه می‌باشند. یک ماشین بزرگ حفاری که دارای ۱۲۰ قوه اسب است نیز وارد و مشغول سوار کردن آن می‌باشند. بعلاوه شعبه آهنگری، نجاری و استاسیون [ایستگاه] الکتریک نیز ساخته و تکمیل شده است. لوله کشی برای آوردن آب از جای آباد به خوریان نیز خاتمه یافته است.» (۲۴) و چند روز بعد از آن اعلام شد که یکی از چاههای مزبور «در فاصله متجاوز

از چهار صد متری عمق زمین به منبع بزرگ نفتی رسیده است.» (۲۵)

این وضعیت همچنان ادامه داشت تا اینکه از اواخر سال ۱۳۰۸ (۱۹۲۹) بتدریج حجم خبرها و گزارشهای ارائه شده از فعالیت شرکت سهامی نفت خوریان کاهش یافت و پس از مدتی دیگر گزارش خاصی از آن منتشر نشد.

در مورد علت توقف فعالیت شرکت سهامی نفت خوریان، علل و عوامل مختلفی وجود دارد که در جای خود می‌باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. ولی «دخالت دولت ایران در فعالیت شرکت، در جهت ذینفع نمودن خود از منافع حاصله» را می‌توان از

جمله مهمترین این عوامل بشمار آورد. دولت ایران با مشاهده فعالیت ثمربخش شرکت نفت خوریان، تلاش کرد بنحوی کنترل این شرکت را در دست گرفته و از منافع آتی آن بهره‌مند شود. در جهت تحقق این ایده از اواخر سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۹) دولت ایران تلاش نمود جهت استخراج نفت در شمال ایران و بخصوص تحت کنترل درآوردن فعالیت شرکت سهامی خوریان یک کنترسیوم با شرکت روسها و فرانسویان تشکیل بدهد. پس از فراهم ساختن مقدمات، بالاخره در اردیبهشت ۱۳۰۸ (آوریل ۱۹۲۹) اجلاسی از مقامات ایران، فرانسه و شوروی در مسکو تشکیل شد. در خصوص علت حضور دولت ایران در این اجلاس و مهمترین مسائل مطرح شده در آن، گزارشی وجود دارد که با هم مروری بر چکیده آن خواهیم داشت:

یکی از اعمال اقتصادی مهم روسیه در شمال ایران موضوع نفت است. در چند سال قبل در شرکت کویر خوریان که مرکزش در تهران است اکثریت سهام را بدست آورده و موفقیت‌های خوبی حاصل کرده است. حس



## شرکت ایران هواسازان

سهامی خاص

بزرگترین تولید کننده هواکش‌های صنعتی - سایکلون - برده هوا در ایران

نماینده انحصاری معتبرترین سازندگان هواکش‌های صنعتی جهان

با بهره‌گیری از مدرن‌ترین سیستم‌های آزمایشگاهی از قبیل اتاق تست صدا - تونل باد

سفارش خاص  
نیاز به  
تولید کننده خاص  
دارد

تلفن: ۶۶۲۸۷۹۹-۸۸۲۱۸۳۳ فاکس: ۸۸۲۵۲۲۸

دفتر فروش: انقلاب، اول خیابان مفتح، ساختمان جم، طبقه همکف

ملی ایران که دائماً در تضاد می‌باشد مانع شده است که این شرکت استفاده از منابع خود بنماید و لازمه ترقیات امروزه ایران و استقلال کاملی که دارد این است که دولت ایران در این شرکت بطور تساوی مشارکت نموده و در موقع استخراج این معادن استفاده متناسبی بنماید. و در این قسمت باید به نمایندگانی اشاره کرد که در هفته اخیر وارد مسکو شده‌اند. در هر صورت مذاکراتی در جریان است که از طرف ایران بتوسط سفیر کبیر ایران انصاری و مستشار مالیه آلمانی دولت ایران دکتر شنوید و از طرف روسیه بتوسط رئیس بانک دولتی پیانا کف که جدیداً رئیس کمیته عالی امتیازات نیز می‌باشد و هیأت فرانسوی و بلژیکی پطروفینو که در تحت ریاست آن از کلیه شرکت‌های مهم نفت فرانسه و بلژیک سندیکائی موسوم به «استخراج نفت شمالی ایران» تشکیل شده و نماینده آن «لئون ونگر» است که از مشاهیر مستغذین نفت در فرانسه می‌باشد و چندی پیش در مسکو اقامت داشت، صورت می‌گیرد. مذاکرات کاملاً محرمانه است معذالک می‌توان حدس زد که هر کدام از شرکاء یک ثلث برای خود در نظر گرفته‌اند. پول ده فرانسه‌ها هستند، ممکن است که ایران در شرکت، سهم خود را مالکیت زمین و روسیه تأمین راه عبور، قرار دهد. این کیفیاتی است که تقریباً روشن شده است. و چون هر سه دسته فوق‌العاده ذی نفعند و موضوع هم جالب توجه دنیا می‌باشد احتمال پیشرفت می‌رود، با وجود همه اینها اشکالات بقدر کافی موجود است. و می‌توان حدس زد که دولت ایران بدو فقط یک قسمت از منابع نفت شمالی خود را خواهد داد ولی واضح است طرفین دیگر شرکت، مخصوصاً روسیه مایل است که استخراج در تمام ولایات پنج گانه شود. دولت ایران طبعاً مایل است مطابق رویه دیرین خود از مسائلی که آن را به تنهایی با روسیه مواجه نماید، احتراز کند. بدیهی است موقعیت روسیه در این شرکت بترتیبی که پیش‌بینی شده است، فوق‌العاده قوی خواهد بود ولی معهداً قوت آن بقدر انگلیسی‌ها در نفت جنوب نخواهد بود. البته می‌توان جزئیات مسائلی که در اطراف کلیات فوق پیش‌بینی می‌شود را حدس زد ولی باید قدری صبر کرد. واضح است سندیکای نفت

اصرار خواهد داشت که برای استحکام راه خود در رقابت بین‌المللی از نفت ایران استفاده نماید. در این موارد باید در نظر گرفت که ممکن است دولت ایران برای نفت خود راه دیگری پیدا نماید و آن از طریق طرابوزن و بحراسود است، یعنی از خاک ترکیه که خود در نفت ذینفع نیست. این راه دور تر از راه قفقاز نیست ولی برای کشیدن لوله از لحاظ فنی خیلی مشکل تر است. آنچه گفته شد شالوده یک رشته مسائل مهم و پیچیده است که مشغولند قدم قاطعی در انجام آن بردارند.<sup>(۲۶)</sup>

مذاکرات مذکور در نهایت به نتیجه نرسید. بنظر می‌رسد با توجه به اینکه اکثریت سهام شرکت نفت خوریان متعلق به روسها بود، عدم نتیجه‌گیری از مذاکرات، سبب مخالفت دولت ایران با ادامه فعالیت شرکت شد و در نهایت این موضوع یکی از علل اساسی رکود فعالیت شرکت نفت خوریان در طی سالهای بعد بشمار می‌آید. در سال ۱۳۱۵ گروهی از کارشناسان نفتی آمریکائی از منطقه کویر خوریان دیدار کردند ولی این دیدار نتایج عملی به همراه نداشت.

تا اینکه شهریور ۱۳۲۰ فرا رسید و نیروهای ارتش سرخ (به همراه نیروهای انگلیسی) به بهانه وجود جاسوسان آلمانی در ایران، وارد ایران شدند. از جمله اولین درخواست‌های شوروی از ایران اجازه فعالیت موسسه نفتی کویر خوریان و یا به عبارت بهتر، اجازه کار به کارشناسان روسی در آن منطقه بود. در پاسخ به این تقاضا، دولت ایران عدم فعالیت موسسه خوریان را ناشی از کم کاری کارشناسان روسی اعلام کرد.<sup>(۲۷)</sup> بهرحال در ماههای بعد، کارشناسان روسی در این منطقه مشغول کار شدند. تا اینکه در سال ۱۳۲۳ با سفر کافتارادزه و هیأت همراه به ایران، بحران نفت شمال بین ایران و شوروی آغاز شد. بر طبق اعلام کالینین کمیسیاریای خارجه وقت شوروی، این هیأت «قصد داشت در خصوص نفت خوریان با مقامات ایرانی گفتگو نماید.<sup>(۲۸)</sup> بدین لحاظ در اولین ملاقات بین کافتارادزه و ساعد (نخست وزیر وقت ایران) در ۲۴ شهریور ۱۳۲۳، موضوع گفتگو پیرامون وضعیت نفت خوریان بود.<sup>(۲۹)</sup> لیکن پس از دیدار هیأت مذکور از مناطق شمالی ایران، کافتارادزه رسماً خواهان اعطای امتیاز استخراج نفت در مناطق شمالی ایران به شوروی شد.<sup>(۳۰)</sup> این درخواست بحران سیاسی بزرگی را بدنبال داشت که تا سال ۱۳۲۶ ادامه یافت. بنظر می‌رسد وجود این بحران سبب ایجاد رکود در فعالیت

موسسه کویر خوریان گشت. این وضعیت در سالهای بعد نیز ادامه یافت و تنها در اواخر دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ بود که بار دیگر موضوع شروع بکار کارشناسان روسی در کویر خوریان مطرح شد، ولی این اقدامات نیز نتیجه‌ای را در پی نداشت. تا اینکه بالاخره در سال ۱۳۳۴ دولت شوروی از دعای خود نسبت به موسسه نفتی کویر خوریان صرفنظر و اموال آن موسسه را به دولت ایران واگذار کرد. از آن زمان به بعد دیگر هیچ گاه فعالیت خاصی در زمینه نفت در کویر خوریان انجام نشد.

علت تعطیل فعالیتها برای بهره‌برداری از این منابع چیست...؟ امیدواریم این گزارش سبب شود مسئولین بار دیگر پرونده این منابع نفتی را بگشایند.

### منابع

- ۱- ذوقی، ایرج (دکتر) مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، تهران، انتشارات پازنگ، پاییز ۱۳۷۰، ص ۷۷
- ۲- همان
- ۳- جریده ناهید، ش ۴۶، ص ۵، ۲۴ بهمن ۱۳۰۴، ص ۱۱
- ۴- ذوقی، همان
- ۵- جریده ناهید، ش ۴۲، ص ۵، ۱۰ بهمن ۱۳۰۴، ص ۲ و ۳
- ۶- همان، ش ۴۸، ص ۵، اول اسفند ۱۳۰۴، ص ۶
- ۷- ذوقی، همان، ص ۸۲، ۸- جریده ناهید، همان، ص ۷
- ۹- ذوقی، همان
- ۱۰- جریده اقدام، ش ۳۲۵، ۲۶ دی ۱۳۰۵، ص ۳
- ۱۱- ذوقی، همان، ص ۸۳
- ۱۲- جریده ناهید، ش ۴۹، ص ۵، ۴ اسفند ۱۳۰۴، ص ۳
- ۱۳- جریده اقدام، همان
- ۱۴- همان، ش ۳۲۰، ۱۹ دی ۱۳۰۵، ص ۲
- ۱۵- همان، ش ۳۲۴، ۲۵ دی ۱۳۰۵، ص ۳
- ۱۶- همان، ش ۳۲۵، ۲۶ دی ۱۳۰۵، ص ۳
- ۱۷- همان، ش ۳۵۵، ۱۵ اسفند ۱۳۰۵، ص ۲
- ۱۸- روزنامه اطلاعات، ش ۳۱۶، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۶، ص ۲
- ۱۹- همان، ش ۴۶۷، ۲۷ فروردین ۱۳۰۷، ص ۲
- ۲۰- همان، ش ۴۹۱، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۰۷، ص ۳
- ۲۱- همان، ش ۵۶۷، ۷ شهریور ۱۳۰۷، ص ۲
- ۲۲- همان، ش ۵۹۳، ۸ مهر ۱۳۰۷، ص ۱
- ۲۳- همان، ش ۷۶۶، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۸، ص ۱
- ۲۴- همان، ش ۸۳۶، ۲۷ مرداد ۱۳۰۸، ص ۳
- ۲۵- همان، ش ۷۹۰، ۲۵ خرداد ۱۳۰۸، ص ۲
- ۲۶- همان، ش ۸۴۶، ۷ شهریور ۱۳۰۸، ص ۳
- ۲۷- استوارت ریچارد، در آخرین روزهای رضاشاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی- کاوه بیات، تهران، نشر نو، ۱۳۷۰، ص ۳۱۰-۳۰۱
- ۲۸- آفراسیابی، بهرام، مصدق و تاریخ، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۶۰، ص ۱۲۰
- ۲۹- آموزگار، س، ج، نفت و حوادث آذربایجان ایی جا ایی تا- ص ۵۴
- ۳۰- آفراسیابی، ص ۱۲۱